

گفته بودی «مرد را

دردی اگر باشد خوش است»

درد ماے ماو

درمان حسین بن علی

زیارت ناحیه مقدسه؛ دانشگاه عالی معرفت
سلام بر فرزند ز مزم و صفا

ناحیه
مقدسه

محمدجواد علی پور گفتیم که زیارت ناحیه مقدسه مجموعه معارفی بسیار ارزشمندی است که ما را با بسیاری از پیامبران و امامان و ابعاد مختلف واقعه عاشورا آشنا می کند. بخش سلام بر انبیا در زیارت ناحیه، تاریخچه فشرده رسالت و امامت را آشکار می کند و نشان می دهد که امام حسین^(ع) جزئی از این سلسله نورانی است. که نسل پاکان از ازل تا به ابد ادامه دارد.

پس از سلام بر این اولیای الهی، در فراز بعدی ارتباط بدون واسطه از پیامبر^(ص) تا سیدالشهدا را نشان می دهد که بیانگر سلسله زنجیروار نورانی است که از حضرت آدم شروع شده است و تا سلسله امامت و ولایت به اباعبدالله^(ع) الحسین رسیده است.

پس از سلام هایی بر این انبیا و اولیای الهی، زمانی که زیارت ناحیه مقدسه به وجود مقدس امام حسین^(ع) می رسد، انگار تمام سختی هایی که انبیای الهی و بزرگان از ابتدای خلقت کشیده اند، در مقابل مصیبت های آن حضرت رنگ می بازد و مقام ایشان در این فرازا برای همگان روشن تر می شود و مخاطب آماده می شود تا بفهمد که در برابر اقیانوسی از نور و ایمان قرار گرفته است.

سلسله ای از نور که با تلاش تمام ظالمان و کافران در طول تاریخ نه تنها کم فروغ نشده است که پیرنگ و مداوم در تاریخ درخشیده اند.

سلام تنها یک عبارت برای آغاز گفتگو و عرض ادب به ساحت گرانقدر طرف دیگر گفتگو نیست سلام تمام معانی مهربانی و محبت و ارادت را در خود نهفته دارد در فراز دیگری از این دعا می گویم:

«السَّلَامُ عَلَیْ اَبْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهٰی، السَّلَامُ عَلَیْ اَبْنِ جَنَّةِ الْمَآوٰی، السَّلَامُ عَلَیْ اَبْنِ زُفَرَمَ وَ الصَّافَا، سلام بر فرزند سدره المنتهی (بالترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا».

«السَّلَامُ عَلَی الْمُرْتَل بِالْذِمَآءِ، السَّلَامُ عَلَی الْمَهْثُوكِ الْجَبَآءِ؛ سلام بر کسی که در خونس غلتید، سلام بر کسی که خیمه گاهش هتک حرمت شد!».

«السَّلَامُ عَلَی خَامِسِ اَصْحَابِ اَهْلِ الْکِسَآءِ، السَّلَامُ عَلَی غَرِیْبِ الْقَرْبَآءِ؛

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کسا؛ سلام بر غریب غریبان!».

«السَّلَامُ عَلَی شَهِیدِ الشَّهَدَآءِ، السَّلَامُ عَلَی قَبْلِی الْاَذِیَّآءِ، السَّلَامُ عَلَی سَاکنِ کَرْبِلَآءَ؛ سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرام زادگان، سلام بر ساکن کربلا».

«السَّلَامُ عَلَی مَنْ یَکُنُّهُ مَلَآئِکَةُ السَّمَآءِ، السَّلَامُ عَلَی مَنْ دُرَّتِیْنِ الْاَرْکَآءِ؛

سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر کسی که فرزندان اش پاک ترین و ناب ترین انسان ها بودند!».

«السَّلَامُ عَلَی یَغْثُوبِ الدِّیْنِ، السَّلَامُ عَلَی مَنَازِلِ الْبَرَّآئِینِ؛ سلام بر یادشاه

دین، سلام بر منزلگاه های دلایل روشن الهی!».

«السَّلَامُ عَلَی الْاَیْمَنَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَی الْجُیُوبِ الْمُنْتَزَّجَاتِ؛ سلام بر امامان والا و شرافتمند، سلام بر گریبان های خون الوده!».

با نامه های امام تا کربلا (نامه هشتم)

بهترین امان، امان خداوند است

محمد جواد ابو عطا^(ع) در قسمت قبلی از تلاش خیرخواهانه عبدا... بن جعفر طیار نوشتیم که علاوه بر نامه ای که برای اباعبدالله^(ع) الحسین^(ع) فرستاد، تلاش کرد عمرو بن سعید، والی مکه، را وادارد که امان نامه ای برای حضرت بنویسد. این در حالی بود که پیشینه والی مکه نشان می داد او از طرفداران سرسخت خلفای اموی و از دشمنان اهل بیت^(ع) است. او از سوی یزید مأمور به قتل امام حسین^(ع) در مکه شد، ولی با خروج زود هنگام امام از مکه، موفق به این کار نشد.

عمرو بن سعید که خواهرزاده مروان بن حکم بود، پس از شنیدن خبر شهادت اباعبدالله^(ع) دستور داد آن را میان مردم مدینه جار بزنند. او با شنیدن صدای گریه و عزای زنان بنی هاشم، آن را انتقام روزگریه زنان بر قتل عثمان دانست. عمرو بن سعید به پیشنهاد عبدا... بن جعفر نامه ای به امام حسین^(ع) نوشت و آن را به برادرش داد که به امام برساند تا این گونه حسن نیت خود را نشان دهد.

یحیی بن سعید نامه را به امام رساند که والی مکه در آن نوشته بود: «از عمرو بن سعید به حسین بن علی! از خدا می خواهم شما را از آنچه مایه نابودی تان می شود، منصرف کند و به آنچه اسباب هدایت شماست، راه نماید. به من رسیده است که رو به سوی عراق دارید؛ تو را از اختلاف افکنی و ایجاد تفرقه برحذر می دارم. می ترسم این کار موجب نابودی ات شود. لذا عبدا... بن جعفر و یحیی بن سعید را به سویت می فرستم؛ با آن دو نزد من بیا. یقینا درمان خواهی بود و برخوردم با تو کریمانه و توأم با بخشش و نیکی و حسن همجواری خواهد بود. خداوند خود در این وعده ها که دادم، شاهد و ضامن و ناظر و وکیل شما باشد. والسلام علیکم».

چون نامه به امام رسید، حضرت جواب آن را این گونه دادند: «اما بعد؛ بی شک کسی که به خدای عزوجل دعوت کند و کار شایسته انجام دهد و بگوید من از مسلمانانم، با خدا و رسولش مخالفت نمی ورزد. تو مرا به امان و نیک رفتاری و بخشش و کرم خود دعوت کرده ای اما بهترین امان، امان خداوند است؛ زیرا آن که در دنیا از خدا بیم نبرد، روز قیامت در امان نخواهد بود، بنابراین ما از خداوند، ترسی امان بخش در دنیا می طلبیم تا موجب ایمنی در قیامت شود. اگر خواسته ای با این نامه در حق من نیکی و بخشش کنی، در دنیا و آخرت خیر و نیکی نصیب خواهد شد. والسلام».

شهریار

۲۳ آذر
۱۴۰۳
شماره ۲۲۲
شماره ۲۲۲

۱۴



شهریار

کودک، جوان و نوجوان شیعه هنوز هم شهید می دهد

ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ» هنوز به گوش می رسد

معین
الهکاء

آمنه مستقیم! این طور نیست که عاشورا با آن عظمت و تاریخ سازی اش، صرفا به دست مردان جنگی و دلاور رقم خورده باشد، بلکه ماجرای آن نیم روز و اتفاقات قبل و بعد از آن به خوبی نشان می دهد که از زن و مرد گرفته تا نوجوان و جوان، دختر بچه سه ساله و حتی شیرخوار در گهواره، در خلق حماسه عاشورا مؤثر بوده اند؛ چنان که در جنگ دوازده روزه نیز ما از همه این اقشار مجاهد و مبارزه و شهید داشتیم. در بررسی این نقش آفرینی ها با حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، کارشناس مذهبی، گفت وگو کرده ایم.

عاشورا نامه محرم ۱۴۴۷

واقعہ
سوم

علی اصغر^(ع) و
جوانان بنی هاشم

ترکیب
جمعیتی

منحصر به فرد در عاشورا



حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری ا ترکیب جمعیتی افرادی که حضرت سیدالشهدا^(ع) را در کربلا همراهی می کردند، بسیار جالب است؛ هم زن، هم کودک، هم شیرخواره، هم نوجوان و جوان و هم میان سال و هم کهنسال. چه در میان مردان و چه در میان زنان حاضر در این واقعه دیده می شود؛ چنان که فضا خادم، از کهنسال ترین زنان و درمیان مردان، حبیب از کهنسالان و مسلم بن عوسجه از صحابی پیامبر^(ص) بودند. یا کسانی مثل حر که بعد به سپاه امام^(ع) پیوست، بیش از پنجاه سال عمر داشت و با پختگی به امام^(ع) پیوست. حضرت عباس^(ع) سی و سه ساله و برادرانشان هم جوان بودند و حضرت علی اکبر^(ع) نیز در هنگام عاشورا بیست و هشت ساله بودند.

جان من است او

این از فضایل است که دشمن از ما با احترام و بزرگی یاد کند؛ چنان که وقتی از معاویه پرسیدند چه کسی بعد از تو شایسته خلافت است، بلافاصله گفت، علی بن الحسین^(ع)، چون در او هم شجاعت هاشمی و هم سخاوت اموی هست. بیشتر مورخان نقل کرده اند تنها کسی که وقتی اذن میدان خواست، حضرت سیدالشهدا^(ع) بی درنگ پذیرفتند. حضرت علی اکبر^(ع) بود. بنا بر نقل لهوف، امام^(ع) به آن حضرت فرمودند: «برو با محارمت در خیمه وداع کن!» و چون علی اکبر^(ع) وارد خیمه محارم شد، هریک به نوعی ممانعت کردند و صحنه ای عجیب خلق شد. ابو عبدالله^(ع) با دیدن این صحنه فرمودند: «رهاش کنید... او ممسوس فی ذات... است» و این همان تعبیری است که پیامبر^(ص) درباره امیرالمؤمنین^(ع) به کار برده اند. یعنی گوشت و خون او به عشق الهی آمیخته است

مرگ شیرین تر
از غسل

در میان نوجوانان عاشورایی نیز کسانی همچون قاسم بن الحسن^(ع) را داریم؛ شهیدی نوجوان و در او روحیه مقاومت، شهادت طلبی و ظلم ستیزی. در شب عاشورا قاسم بن الحسن^(ع) در آن جمعی که با حضرت سیدالشهدا^(ع) درباره کیفیت جنگ سخن می گفتند، از امام درباره نقش خود پرسید. حضرت پاسخ دادند: اگر نباست این اسلام ریشه بدواند، باید خون بنی امیه ریخته و شاید قربانی هایی داده شود. برای این دین و این سبک زندگی کجای میدان هستی؟ آن نوجوان سیزده ساله عرض کرد: در راه رسیدن به این قله، مرگ برایم شیرین تر از غسل است؛ «أحلی من العسل». روز عاشورا هم با آن رجزخوانی و شجاعت و افتخار به نسب و پدران خود، دشمن را به شکستی و تحیر واداشت.

هنوز

هم دشمن به
کودک رحم نمی کند

در کربلا حتی نوزاد نقش آفرین است و با وجودی که هیچ قدرتی از بعد ظاهری ندارد، عواطف و احساسات جهان را در تاریخ به خروش درمی آورد؛ چنان که بعد از ۱۲۸۰ سال از واقعه کربلا، هنوز هم عواطف انسان های آزادی خواه عالم برای حضرت علی اصغر^(ع) به جوشش درمی آید. نقل است حضرت سیدالشهدا^(ع) با عبا و عمامه پیامبر^(ص) و بدون لباس رزم نزدیک دشمن رفتند. تاجایی که خیزنگار سپاه عمر می گوید فکر کردیم حسین^(ع) در زیر عباي خود قرآن آورده است تا بگوید بر من رحم کنید، اما ایشان فرمودند: «اگر به من رحم نمی کنید، به این طفل رحم کنید که از شدت عطش در حال زبانه زدن است».

تسلیت
خدا به

سیدالشهدا^(ع)

سیدالشهدا^(ع) حضرت علی اصغر^(ع) در آغوششان حجت را تمام می کنند و بی آنکه آب طلب کنند، می فرمایند، او را ببرید و سیرایش کنید. این حجت شرعی الهی است؛ شاید روز قیامت یکی از سپاه دشمن می گفت شما گفتید بچه را آب بدهید... اما آن ها در پاسخ، گوی شیرخواره را با تیر سه شعله پاره کردند. مرحوم طریحی می نویسد، حسین^(ع) در عزای آن شیرخوار با دو دست، اشک چشمانش را پاک می کرد (یعنی تالین حدابن داغ بر سیدالشهدا^(ع) سنگین بود). امام باقر^(ع) می فرمایند، «ابو عبدالله^(ع) خون حلقوم آن شیرخوار را به آسمان پاشیدند و قطره ای از آن به زمین بازنگشت». خدا در این مصیبت به امام حسین^(ع) تسلیت گفت و وعده بشارت اعلی برای آن شیرخوار داد. امام^(ع) به مصونیت پیکر علی اصغر^(ع) از حوادث بعد، دور از چشم خانواده آن جسم کوچک را به خاک سپردند تا عواطف خواهری و مادری آزرده نشود.

برخی

به تلنگر نیاز دارند

اتفاقات ده، پانزده روز اخیر به خیلی ها در داخل و خارج کشور تلنگر زد و نوعی بیدارباش بود؛ به شهید سرلشکر سلامی گفته بودند در کشور «نسل زد» شکل گرفته است و این ها عوامل برانداز نظام هستند. اما ایشان در پاسخ گفته بود؛ ما با همین نسل به مقابله با شما می آییم. برخی حوادث باید رخ دهد تا عده ای تکان بخورند. وقتی عاشورا رخ داد، کسانی مثل سلیمان صد خزاعی متحول شدند. او انسان بدی نبود، حتی از اصحاب امیرالمؤمنین^(ع) بود و باورش نمی شد که امام حسین^(ع) به شهادت برسد اما چون آن مصائب رقم خورد، مردم کوفه و سلیمان زیرورو شدند و قیام های متعدد رخ داد؛ چنان که امام صادق^(ع) می فرمایند: «کوفه بعد از امام حسین^(ع)، هرگز به ما اهل بیت^(ع) بی وفايي نکرد».

همه جا

کربلا است

تعبیر مشهور «کُلَّ یَوْمِ عاشورا و کُلُّ اَرْضِ کَرْبَلَا» را روایات به شکل دیگری مطرح می کنند که بدانید همیشه حق و باطل در ستیزه و رودرویی هم هستند و تا آخرین روز عمر این عالم، نبرد بین حق و باطل به اتمام نخواهد رسید؛ چنان که بعد از واقعه کربلا قیام توابین، قیام زید، قیام مختار و... همه در جدال حق و باطل رخ داد. در دوران معاصر هم جنگ های جهانی به همین دلیل شکل گرفتند تا آنکه جبهه باطل در این تقابل و با نقشه ای نرم افزاری، غده ای سرطانی به اسم اسرائیل را در منطقه ما ایجاد کرد و نزدیک هشتاد سال است تقابل حق و باطل را به اوج رسانده است و با مجموعه آزادی خواهان اعم از مسیحی و مسلمان و شیعه در تقابل است.

جوانان ما چشم

به قاسم^(ع) و علی اکبر^(ع) دارند

منطق اسلام همین است؛ جذب حداکثری و دفع حداقلی؛ این روزها شاهدیم که اهالی فرهنگ، هنر و ورزش و حتی کسانی که منتقد و دارای چالش هایی با نظام و انقلاب بودند، چون دیدند اسلام و ایران در خطر است، همه اختلاف ها را کنار گذاشتند. امروز سیزده ساله های ما همان تعبیر حضرت قاسم^(ع) و جوانان ما تعابیر علی اکبر^(ع) را بردل و زبان دارند. دیدیم که یکی از مجروحان ارتش می گفت به محض سلامتی به محل خدمت بازمی گردم و خدمت می کنم. این همان روحیه ظلم ستیزی است که قاسم بن الحسن، علی اکبر و قنقاع علی اصغر^(ع) علیهم السلام، به آن قوام بخشیدند و امروز هم به انسان های آزاده جهت و خط فکری می دهد. قطعا برکات این نبرد دوازده روزه برای جبهه مقاومت، ایران و اسلام، در آینده خود را نشان خواهد داد.